



جمعه 25 فروردین 22 جمادی الاول 13 آوریل

تاسیس شرکت نفت انگلستان و ایران - امتیاز «دارسی» و مداخلات جهانی کمپانی های نفتی...

تاسیس شرکت نفت انگلستان و ایران - امتیاز #171؛ دارسی» و مداخلات جهانی کمپانی های نفتی

سال 1909 و ده ماه و 18 روز پس از رسیدن نخستین چاه در مسجد سلیمان [خوزستان] به نفت، شرکت نفت انگلستان و ایران [Anglo-Persian Oil Company] برپایه امتیازنامه #171؛ دارسی» تاسیس در لندن به ثبت داده شد. این چاه 26 ماه می 1908 در عمق 400 متری به نفت رسیده بود و متعاقب آن دو چاه دیگر.

#171؛ ویلیام ناکس دارسی William Knox D'Arcy» از اشراف زادگان انگلیسی که از 17 سالگی با خانواده اش برای مدتی در استرالیا زندگی می کرد و به استخراج طلا از کوه #171؛ مورگن» سرگرم بود پس از بازگشت و ادامه زندگی در لندن متوجه وجود نفت در ایران شد. پیش از او ژولیوس رویتر (موسس خبرگزاری رویتر) با مطالعه یادداشتهای یک زمین شناس فرانسوی که قبلا از ایران دیدن کرده بود به فکر گرفتن امتیاز اکتشاف و استخراج آن از دولت تهران افتاده بود ولی موفق نشده بود.

#171؛ دارسی» از طریق همکارانش برمفاد یادداشتهای زمین شناس فرانسوی و نیز تلاشهای رویتر وقوف یافت و با برقرارکردن ارتباط با رئیس الوزراء وقت ایران از طریق یک دوست مشترک و واسطه قراردادن این دوست، برغم اعتراض سفارت روسیه در تهران به هدف رسید. قرارداد دارسی در سال 1901 برای مدت 60 سال امضاء شد و با هدف کاستن از شدت اعتراض دولت روسیه، پنج استان ایرانی مجاور مرز روسیه از شمول آن قرارداد مستثنی گردید. دارسی برای دریافت امتیاز نفت ایران مبلغ ناچیزی با وعده تعدادی سهم به ایران داده بود.

دارسی برای اکتشاف و استخراج نفت ایران مهندس جورج رینولدز را به ایران فرستاد و در سال 1905 نیز با شرکت انگلیسی نفت برمه شریک شد.

پس از ثبت شرکت در اپریل سال 1909، سهام آن به معرض فروش گذارده شد و 2 لرد انگلیسی متعاقب هم مدیر عامل آن شدند، ولی #171؛ دارسی» تا زمان مرگ در سال 1917 عضو هیات مدیره بود.

در سال 1914 و در آستانه جنگ جهانی اول نیروی دریایی انگلستان 51 درصد سهام شرکت نفت انگلستان و ایران را در اختیار گرفت که بعدا تا 97 درصد آن متعلق به دولت انگلستان شد.

قرارداد دارسی در سال 1313 هجری خورشیدی با تمهیدات و یک رشته بازی های ماهرانه برای 60 سال دیگر تمدید شد و کمپانی Anglo-Persian Oil Company نام Anglo-Iranian Oil Company بر خود نهاد. این قرارداد در پی یک رشته اعتراضات ملی به رهبری دکتر محمد مصدق - ناسیونالیست بنام - و پس از ترور نخست وزیر وقت ژنرال رزم آرا، در اسفند 1329 با رای پارلمان ایران به صورت یکجانبه لغو و نفت ایران ملی شد که پس از کودتای انگلیسی - آمریکایی 28 امرداد 1332 (19 آگوست 1953) عملا در اختیار کنسرسیومی مرکب از شرکتهای نفتی غرب قرار گرفت. در این کنسرسیوم سهم کمپانی انگلیسی Anglo-Iranian Oil Company چهار درصد، سهم پنج کمپانی آمریکایی 40 درصد و سهم کمپانی های هلندی و فرانسوی 20 درصد تعیین شد. دولت آمریکا با این شرط حاضر به مشارکت در براندازی دولت دکتر مصدق شده بود که پس از براندازی، نفت ایران در انحصار انگلستان نباشد [و به کمپانی های نفتی غرب و در آن زمان معروف به هفت خواهران داده شود]. شرکت نفتی Anglo-Iranian Oil Company از زمان تاسیس کنسرسیوم نفت ایران به British Petroleum و اختصارا BP تغییر نام داده و دو بار هم لگو آن تغییر یافته است.

این کمپانی از 1959 فعالیت خود را که تا آن زمان محدود به خاورمیانه بود به سایر نقاط جهان از دریای شمال تا خلیج مکزیک و آلاسکا گسترش داده و علاوه بر اکتشاف و استخراج و تصفیه، به خرده فروشی هم پرداخته و در سال 2011 دارای 23 هزار جایگاه فروش بنزین بوده است و با بازی در خرید و فروش و یا اعلام [فرضا ساختگی] نقص فنی یک پالایشگاه و تغییرات در جایگاههای فروش می تواند بهای بنزین و در نتیجه نفت خام را نوسان دهد و بالعکس. در هر نوسان سازی ساختگی بهای نفت، رسانه ها نقش موثر دارند و روزنامه نگار اگر در قبال جامعه احساس مسئولیت کند و وفادار به اصول ژورنالیسم باشد می تواند این بازی هارا [با افشگری] نقش بر آب سازد.

از آغاز قرن بیستم تاکنون، در بسیاری از رویدادهای کشورهای نفتدار، دست کمپانی های نفتی غرب دیده می شود. در 11 سال نخست قرن 21 تصرف عراق، گسترش استقرار نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، حوادث خونین دارفور، رویدادهای نیجریه و آنگولا، بالابردن مصنوعی بهای نفت در سال 2008 - سال انتخابات آمریکا و به پیروزی رساندن نامزد مورد نظر، مسئله لیبی در سال 2011، بالابردن مجدد بهای بنزین در آمریکا در بهار این سال (بهار 2011) تا زمینه برای موافقت رئیس جمهور این کشور به اجاره دادن بخش دیگری از مناطق نفتی خلیج مکزیک و آبهای ساحلی هموار شود همه جا نفت و دست کمپانی های مربوط در کار بوده است. رویداد نشت نفت خام از یک چاه اجاره ای کمپانی بی پی (نفت انگلستان) در خلیج مکزیک (آبهای ساحلی ایالات متحده) در سال 2010 سبب شد که واگذارکردن مناطق بیشتری در این خلیج برای استخراج نفت متوقف و ممنوع شود.

درآمد ناشی از نفت در برخی کشورهای دارنده این ماده تاثیرات منفی داشته است. مورخان درآمد روسیه از نفت را از عوامل جرائم

اقتصادی این کشور، مصرفی شدن جامعه روسیه و ... می دانند. «نفت» همچنین ریشه اختلاف ایالات متحده و ونزوئلا را تشکیل داده است.

قتل آبراهام لینکلن در تماشاخانه فورد

14 اپریل 1865 و پنج روز پس از پایان جنگ داخلی 4 ساله آمریکا، ابراهام لینکلن Abraham Lincoln (لینکلن) 56 ساله رئیس جمهوری وقت این کشور در جایگاه شماره 7 تماشاخانه فورد در مرکز شهر واشنگتن هدف گلوله «جان ویلکس بوث John Wilkes Booth» یک بازیگر 26 ساله تئاتر و از هواداران کنفدراسیون آمریکا (طرفداران کاهش قدرت دولت مرکزی – جنوبی ها) قرار گرفت و چند ساعت بعد (ساعت 7 و 22 دقیقه بامداد 15 اپریل) درگذشت. جان بوث پس از تیراندازی به لینکلن که در کنار زنش نشسته بود و صحنه نمایش را تماشا می کرد فریاد زد: جنوب انتقام گرفت. «بوث» چند دقیقه پس از ساعت ده شب به وقت واشنگتن از فاصله یک متر و نیمی، تنها یک گلوله به پشت جمجمه لینکلن شلیک کرده بود. ضارب پس از شلیک گلوله، از پنجره تماشاخانه فرار کرد و با اسبی که از قبل زیر پنجره آماده بود از محل دور شد. لینکلن از حزب جمهوریخواه، شانزدهمین رئیس جمهور آمریکا، 4 سال و یک ماه حکومت کرده بود.

همزمان با تیراندازی به لینکلن (لینکلن)، در جای دیگر به «ویلیام سیوارد» وزیر امور خارجه او چاقو زدند که بر اثر ضربات وارده مجروح شده بود. [سیوارد عمدتاً شهرت خود را از خرید آلاسکا از تزار وقت روسیه برای آمریکا به دست آورده است]. پس از درگذشت لینکلن که دومین دور ریاست جمهوری خود را آغاز کرده بود، معاون وی «اندرو جانسون» برجایش نشست. بوث که به «پورت رویال» ویرجینیا [منطقه ای در غرب شهر واشنگتن و در دامنه کوه] فرار کرده بود 13 روز بعد در درگیری با سواره نظام فدراسیون (اتحادیه) که در جستجوی او بود کشته شد و همدستش دستگیر گردید.